نکته های نابِ کتابِ "طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن" - قسمت 10

اگر تعهدی احساس نکردی،در مومن بودن خودت شک کن.جامعه ای که به تعهدات ایمانی خود عمل نمی کند،نام خود را جامعه مومن نگذارد.اگر فقط تصدیق و پذیرش در ایمان کافی بود،من می گویم اول مومنِ به پیغمبر ابولهب بود یا ولید بن مغیره بود.آن هوشمندانِ عرب خیلی خوب می فهمیدند که رسول خدا دروغ نمی گوید،خوب می فهمیدند که راست می گوید،اما جنابعالی بعد از چهارده قرن از آن تاریخ،او را مومن نمی دانی.

اگر فقط تشخیص و ایمان قلبی کافی بود، عمرو عاص باید اول شیعه عالم باشد.عمروعاصی که ماجرای غدیرخم را یا به چشم دیده،یا از کسانی که به چشم دیده اند شنیده،من و شما بعد از سیزده قرن و خرده ای این ماجرا را در کتاب ها فقط می خوانیم. من می گویم اگر او مومن نیست؛ به دلیل اینکه این ایمانش، این قبولش، این تصدیقش، با تعهد های متناسب همراه نبوده،آیا ما مومنیم؟

" وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ" سست نشوید،غمگین نشوید،اگر مومن باشید از همه برترید.آن کسانی که این صلای عجیب را از قرآن شنیدند،بعد به واقعیت ها نگاه می کنند،می بینند مومنینِ به قرآن از همه برتر نیستند،بلکه گروکشِ همه هستند و تعجب می کنند که این وعده قرآن پس کو؟ آن ایمانی {مطلوب} است که با تعهد های عملی همراه باشد،اگر همراه نبود،منتظر نتیجه هایش هم نباش،منتظر نصرت در دنیا نباش.

"الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَٰئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ"، منتظر امنیت در دنیا {هم} نباش.

پندار های بیهوده ناشی از راحت طلبی، ضدِ این را به ما تلقین می کند.یک صفتی در انسان است که همیشه دنبال کارهای راحت تر می رود،راه کم خرج تر،راه بی تلاش تر.از طرفی ایمانِ مذهبی می گوید بهشتت از دست رفت.برای اینکه هم سهل گرایی به جای مانده باشد،هم بهشت از دست نرفته باشد،مجبوریم بنشینیم فرمول درست کنیم،فرمول هایی که نتیجه می دهد رفتنِ آدمِ بیکارهِ تنبل را به بهشت.فقط وقتی که به بهشت نرفتیم،می فهمیم که فرمول ها غلط بود.

قرآن متن قطعی خلل ناپذیر ماست و صد ها روایتِ درست،روایت متقن. شفاعت ما نمی رسد یا نمی رسد به شفاعت ما،مگر به وسیله کوشش و جِد و جهد.ما با این حالتِ منفیِ پستِ بی خاصیت،می نشینیم به امید شفاعت.در حالی که خودِ امام،طبق این روایت می فرماید که شفاعت ما به آن کسانی می رسد که جد و جهد و کوشش داشته باشند.